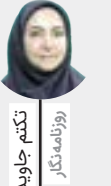




یک ماه از روزی که سیل به خیابان سیدی آمد، می‌گذرد

۳۰ روز پس از آن روز

گزارش روز



زینب باقر
تکنم جاوید

«که چی؟ این همه آدم آمده اینجا گزارش گرفته، عکس گرفته. عکس و فیلم ما دیگه همه جای دنیا پخش شده، پس چرا ما باز هم بلا تکلیفیم؟»، «از کجا اومدی؟ از کدوم روزنامه؟ چی می‌خواهی بنویسی؟ قبلی‌ها که نوشتن، چی شد؟ ما که هنوز آواره ایم، نه جای خوابیدن داریم، نه وسیله هامون معلوم است کجاست»، مواجعه اولیه بیشترشان این است که تا متوجه می‌شوند خبرنگاری آمده است سرآغشان، اول راضی به این سو و آن سو می‌برد، بیشترین احساس ناامیدی است که از خستگی بیست و چند روز گذشته‌شان می‌آید. دیوار خانه‌هایشان بر اثر سیل نم کشیده و هنوز خشک نشده است که تعمیرش کنند و اسباب باقی مانده خانه را بچینند. خودروها هنوز خراب است و مردان بیکارند و بدتر از همه، دو خانواده داغدار که هم‌عزیز از دست داده‌اند و هم‌وضعیتشان نابسامان است. این دو مین بازدید سرزده ما از اهالی خیابان سپاه ۶۹ است؛ همان‌ها که سیل ۲۶ اردیبهشت به خانه‌هایشان زد و غافلگیرشان کرد. یک روز پس از حضور ما، اهالی با تماس فرمانداری در روز دیدار مردمی، به سراغ فرماندار رفتند تا گلایه‌هایشان را بار دیگر بگویند و پاسخ بشوند.

شکایت پشت شکایت

دو خانه‌ای که فوتی داشته، همان شکلی است که بود؛ گل‌آلود و متروک. پدر و مادر بنیامین و مشکلات در یک خانه سکونت داده شده‌اند و حاج آقای وارسته که همسرش را در سیل از دست داده است، در خانه دیگری. مادر بیچه‌ها با تنها لباس و اسباب بازی بیچه‌هایش که از میان سیلاب درآورده است و با خودش این سو و آن سو می‌برد، از اوضاع می‌گوید: قرار بود ما را در اولویت بگذارند. دیگران که وسیله خانه‌شان خراب شده است، سخت دنبالش هستند. ما چه کنیم که عزیزمان را از دست دادیم؟ از آن روز دنبال دادگاه هستیم. ما ۱۰۰ میلیون تومان راریختند اما ۴ میلیونش را کم کردند. شما بگویید ۹۶ تومان، من وسیله خانه بخرم یارهن بدهم؟ اصلا اقساطش را چه کار کنم؟ من مستاجر مانده‌ام با درد هایم. شوهرش حرفی نمی‌زند. ساکت است؛ مثل همان روزهای اول. همسایه‌ها می‌گویند بیک موتوری بوده است و بعد از سیل، دیگر انگیزه‌ای برای کار کردن ندارد. صاحبخانه‌شان هم که ساکن طبقه بالا بوده، کنار ماست و مشکلاتش را این‌گونه شرح می‌دهد:

بعضی مستأجرها وامشان را گرفته‌اند اما خبری از وام صاحب‌خانه‌ها نیست. دو هفته پیش که فرماندار آمد اینجا، قول داد ۱۰۰ تومان بلاعوض بدهد اما نمی‌دهد چرا وام داده‌اند؟ صحبت از ۳۵۰ میلیون تومان هم کرد اما آن را هم نمی‌دانیم چه شد. شوهر من هم کارگر است و با چندسر عائله توان پرداخت اقساط وام را ندارد. دیوار به دیوارشان خانه آقای وارسته بوده که همسرش را از دست داده است. پسر مرد هم شکایت دارد: «خانه‌ای به من داده‌اند که روی پشت بام یک آپارتمان است. هیچ امکاناتی ندارد. نگاه دارد، نه آب بالایی آید. فقط یک چهار دیواری پانزده متری است. همان هم یک ماهش رفته و دو ماه دیگر باید خانه را خالی کنیم. هنوز هیچ پولی نگرفته‌ام. هر بانکی رفتیم، گفتند است نیست. همه می‌گویند پول می‌دهیم ولی من چیزی ندیدم. خانه‌ام هم باید تخریب شود. سه تخته قالی‌ام هم در سیل گیم شده است و نمی‌دانم کجا برده‌اند. همسایه‌ها می‌گفتند که برایشان غذا می‌آورده‌اند ولی من چیزی نگرفتم». سری به خانه موقتی‌اش می‌زنیم. ابتدای سپاه ۴۱ است. تا طبقه چهارم آسانسور دارد و طبقه اضافه را با پله بالا

می‌رویم. اغلب اوقاتش را در خانه فرزندانش می‌گذرانند. شش‌تکه وسیله اصلی خانه هم تحویل گرفته است اما همگی گوشه‌اتاق هستند. از آن همه اسباب‌خانه‌اش، مانده‌ها تقریباً هیچ است. اذان را گفته‌اند که به خیابان ۶۹ برمی‌گردیم، میان اهالی. آن‌ها که بیرون مانده‌اند، دیگران را هم خبر می‌کنند. زن همسایه یک صندلی کوچک، جلوی در خانه گذاشته و بیرون نشسته است. برای دیدن خانه‌اش پرده را کنار می‌زند. همانی است که دو هفته پیش دیدیم. وسایلی که گوشه خانه روی هم انبار کرده و دو پتکه‌ای که داخل اتاق، روشن گذاشته است تا حمام را که نشسته کرده، خشک کند و بتواند تعمیرش کند: «منتظرم وام بدهند تا بنایی را شروع کنیم. باید دیوارها را خشک کنیم که بشود دوباره سنگ کرد. نمی‌دانم این خانه چقدر خرج برمی‌دارد ولی هر چه باشد، بالاخره ما را از این آوارگی نجات می‌دهد». همسایه دیگر علاوه بر اسباب‌خانه‌اش، جهیزیه پسرش را هم از دست داده، همه را آب و سیل گرفته است. فرش را می‌ان سالن خانه پهن کرده است

پاسخ فرماندار به گلایه اهالی سپاه ۶۹

روزی نیست که پیگیر مشکلات شما نباشم



ساعتی از ملاقات مردمی محسن داووری، فرماندار مشهد، با شهروندان می‌گذرد که اهالی خیابان سپاه ۶۹ در سالن فرمانداری حاضر می‌شوند. می‌نشینند در جایگاه و فرماندار ایستاده، به حرف‌ها و سروصداها ایشان گوش می‌دهد و بارها پاسخ‌هایش را برای هر کدام تکرار می‌کند. این جلسه بیش از یک ساعت طول می‌کشد. شاید چهل یا پنجاه نفری باشند؛ زن و مرد و کودک. جعفر رهبری یکی از آن‌هاست که قرار است به نمایندگی از دیگران، از فرماندار سؤال بپرسد؛ اگر چه این قرار تا پایان جلسه بارها شکسته می‌شود و هر کدام مشکل خودشان را می‌گویند. داوری ابتدا درباره خانواده متوفیان توضیح می‌دهد: برای فوتی‌ها خارج از قاعده ستاد بحران، کارهایی انجام خواهیم داد و قرار شده است به ازای هر نفر ۱۰۰ میلیون تومان بلاعوض بپردازیم. اما علت تأخیر این است که اگر مبلغ را به حساب فردی بریزیم، بعد از آن ورثه می‌توانند ادعا کنند و ما زیر سؤال خواهیم رفت. اگر کسانی که فوتی داشتند، خواسته‌ایم مراحل انحصار وراثت را طی کنند، روزی که حکم رایبیاورند، یک ساعت بعد، هزینه را به حسابشان واریز می‌کنیم.

مادر بیچه‌ها! انحصار ورثه را گرفتیم و به دادگاه دادیم. فرماندار: برگره را بیاورید، به ازای هر کدام به میزان تعیین شده واریز می‌کنیم. فرزند مرحوم زینب مرادی! چرا آستان قدس پاسخگوی ما نیست؟ خون مادر من ارزش ندارد؟ حتی به ما تسلیت هم نگفتند. فرماندار: اگر شما تصادف کنید هم بعد از حادثه، کارشناس وضعیت را بررسی می‌کند و براساس نظر و خسارت پرداخت می‌شود. موضوع مقصر را، هم شما پیگیری کنید، هم ما پیگیر هستیم. دادگاه هم هست، می‌توانید آن را هم دنبال کنید. ما بررسی‌های مربوط به حوزه کاری خود را جدا انجام داده‌ایم.

مادر بیچه‌ها! بانک ما را رسد زده برای ۱۰۰ میلیون تومان وام. ۹۶ میلیون تومان روز شنبه به حساب ما واریز شده. گفتند با این پول که انگار برایشان از خون بیچه‌های من زیادتر است، خانه رهن کنید که سه ماهه خانه‌ای را که در آن ساکن هستید، می‌گیریم. من زندگی‌ام رفته، بیچه‌هایم رفته‌اند، روانم رفته، این حرف‌های زور را به ما بگویند. چرا همان اول ۴ میلیون را برداشتند؟ گفتند ودیعه مسکن است؟

فرماندار: بانک درست گفته است. ما به کسانی که منزلشان دچار مشکل شده است، در کنار کمک‌های دیگر ۱۰۰ میلیون تومان هم خارج از قاعده کشور وام قرض‌الحسنه پرداخت می‌کنیم که خانه



کردند چه تعداد وسیله به چه کسی بدهند. اما منابع ما محدود است. آن‌هایی که به عنوان مالک و مستأجر به ما معرفی شدند و در خیابان سپاه ۶۹ ساکن بوده‌اند، برای دریافت وام ۱۰۰ میلیون تومانی به بانک ملی معرفی کردیم. مشکل ضامن را هم گفتیم با سفته حل کنند. بیش از ۱۵۰ نفر شناسایی شده بودند که تا امروز ۴۷ نفر وامشان را دریافت کرده‌اند. برای ۱۹۶ نفر از کسانی که خودرو آن‌ها دچار مشکل شده است و ارزیابی شده‌اند، تا ۵۰ میلیون تومان واریز شده است. برخی اهالی هنوز به حساب ما واریز نشده است. فرماندار: حاضریم فیش را نشان بدهیم که برای ۱۹۶ نفر واریز شده است.

نماینده اهالی آقای فرماندار! من از طرف مردم از شما چند سؤال دارم. اولویت ما همان طور که گفتید، خانواده‌های داغ دیده هستند. دوم درباره وامی که برای خانه‌ها در نظر گرفتید، بگویید آیا با ۱۰۰ میلیون یا در واقع با ۹۵ میلیون که هنوز هم به صاحبخانه‌ها داده نشده است، آیا میزان خسارت جبران می‌شود؟ ما از اقلام دیگر خسارت نخوریم؟ چه صاحبخانه و چه مستأجر، این‌ها کارگر هستند. فرماندار: نیاز نیست این‌ها را به من توضیح بدهید. من هم این مدت با شما زندگی کردم. اما درباره کسانی که وام گرفتند، ما قرار نیست خسارتی را که وارد شده است، به همان اندازه جبران کنیم. همکاری ما قاعده دارد. همین‌طور که شما نمی‌دانید ما چقدر بودجه و امکانات داریم. ما باید چند کار را انجام می‌دهیم که قانون برعهده ما گذاشته است. در مرحله اول باید از جنبه انسانی به اهالی کمک می‌کردیم که تا حدودی سرباشوند. یک بخش ارقام ضروری بوده است که ما مکلف بودیم آن‌ها را با نظر کارشناسی تحویل بدهیم تا زندگی شما سرپا باشد. در هیچ جای کشور که قبلاً سیل و زلزله آمده، دیده نشده است همه خسارت وارد شده را به مردم بدهند. ما براساس ارزیابی بنیاد مسکن، میزان خسارت خانه‌ها را ثبت کردیم. کمیته امداد امام خمینی^(ع) هم تیم کارشناسی دارد و براساس آن مشخص

مشمول آن نمی‌شود. برای پرداخت هزینه بلاعوض به مالکان، فرایندی داریم که باید در سامانه کشوری ثبت شود. با تهران صحبت کردیم، گفتند قبض را بدهید. برای پرداخت یک میلیون تا ۱۰۰ میلیون تومان بلاعوض برای تعمیر منزل مالکان. این مراحل را بدون شما پیگیری کردیم و تعارض‌ها را گرفتیم. تا من این کارها را نکنم، نمی‌توانم پولی بدهم. ما کارهای زیادی انجام دادیم، در حالی که شما قرار است یک شماره کد ملی یا شماره شبا بدهید. بارها با شما تماس گرفتند و اعلام نکردید. این‌ها قانون است و بیشتر از اختیار نمی‌توانم بپردازم.

نماینده اهالی! برای بسته معیشتی که قرار بود بدهید چقدر دید؟ برای ۲۵ روزی که این مردم در خیابان‌ها هستند و از کار افتاده‌اند و جایی برای خوابیدن ندارند، زائرسرا هم مدام می‌خواهد آن‌ها را بیرون کند؟ فرماندار: قرار نبوده است با بسته معیشتی زندگی کنند. هزینه معیشتی ۱۰ میلیون تومان بلاعوض بوده است و به حساب مالک و مستأجرانی واریز می‌شود که در محل ساکن هستند برای ضروری‌ترین کارها. می‌گویند ۲۵ روز گذشته اما اگر بیش از این هم بگذرد، تا من ظرفیت را ایجاد نکنم و پولی نگیرم، نمی‌توانم چیزی پرداخت کنم. می‌دانم این پول در مقابل خسارت شما چیزی نیست اما اعتبار دیگری دارم. من در حال پیگیری هستم. همین‌طور که هزینه خودرو را واریز کردیم و وام مستأجران را، این را هم واریز خواهیم کرد. مثل وام ۹۵ میلیونی صاحبخانه‌ها، کار یک روز و دو روز نیست. باید لیست کامل بشود، شماره‌کنطور برق ثبت شود و تا کار مطابق با انجام نشود، هزینه‌ای پرداخت نخواهد شد. من اینجا هستم تا کارهای شما را به سرانجام برسانم. توانایی من این است و شما هم صبر کنید. تا من سامانه را تکمیل نکنم و مراحل پیش نرود، پول به حساب من نمی‌آید، حتی اگر یک کد ملی هم اشتباه باشد، واریز نمی‌شود. اگر به مقامات بالاتر هم مراجعه کنید، استناداری هم همین است؛ چون قاعده این است که در حال پشت سر گذاشتن هستیم.

نماینده اهالی! زمان بدهید آقای فرماندار! تا کی؟ فرماندار: روزی نیست که من جلسه نگذارم و درباره مشکلات شما صحبت نکنم. کاری که در توانم است، انجام می‌دهم. اگر من یک روز پیگیری نکردم، چه بخواهید و چه نخواهید، بیش خدا مسئول هستم. من این چند کار را که گفتیم، می‌توانم انجام بدهم. ۱۰ میلیون تومان بسته معیشتی تا دو یا سه روز دیگر واریز می‌شود. خسارت خودروها هم همین‌طور. درباره هزینه بلاعوض مالکان، پیگیری با تهران را ادامه می‌دهیم. در عین حال یک وام ۲۵۰ میلیون تومانی روستایی هم هست که در حال پیگیری هستم تا شاید بتوانم برای شما مجوز پرداخت را بگیرم. نماینده اهالی! برای آینده چه برنامه‌ای دارید تا دوباره سیل و خرابی به بار نیاید؟ فرماندار: نه فقط در منطقه شما بلکه در همه نقاط شهر در حال ارزیابی کانال‌ها هستند که اصلاح شود. صحبت‌های مردم خیابان سپاه ۶۹ تمامی ندارد اما ملاقات عمومی با شهروندان دیگر آغاز می‌شود.